

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۳۶۵/۶۹۵ رده بندی کنگره: ط ۸۸۳/۲

تحلیل مسئولیت مدنی در مسئولیت های قراردادی

مریم عیسوی

چکیده

همانطور که می دانیم به طور کلی شرایط مسئولیت قراردادی عبارتند از:

۱. وجود قرارداد
۲. اعتبار قرارداد
۳. تخلف از انجام تعهد
۴. وجود ضرر
۵. رابطه سببیت

متعهد قراردادی زمانی از مسئولیت معاف می شود که زیان وارده ناشی از حادثه خارجی بوده که نتوان به او منتسب کرد. در صورتی که هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت قراردادی وجود داشته باشد، متعهد له در انتخاب هر کدام از آنها برای جبران خسارت مختار است. مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر گاهی مبنای قانونی قراردادی دارد مثل ماده ۳۸۸ قانون تجارت در مورد متصدی حمل و نقلی که مسئول خسارات رانندگان خود در مقابل متعهد له قراردادهای خود است و گاهی مبنای آن اراده صرف طرفین است و ماده ۱۰ قانون مدنی توجیه کننده آن است، مثل رای وحدت رویه ۲۲ اسفند ۱۳۴۱ که می تواند مصداقی از آن باشد و مثال بارز دیگر آن بیمه مسئولیت است. اما گاهی مسئولیت ناشی عمل ثالث است، که خود ۲ حالت دارد:

- ۱- گاهی ثالث از تعهد خودداری می کند و موجب مسئولیت می شود. در این مورد متعهد له رابطه ای با ثالث نداشته و نمی تواند به او رجوع کند.

۲- ثالث عملی انجام می‌دهد که موجب ایجاد مسئولیت می‌شود، این مورد خود دو حالت دارد:

الف - عمل ثالث موجب اصلی اراده از متعهد می‌شود، در این مورد مصداقی از قوه قاهره محقق می‌شود و او را از مسئولیت معاف می‌کند اما مسئولیت مدنی ثالث تحت شرایطی باقی است.

ب - اختیار را از متعهد سلب نمی‌کند، در اینجا متعهد قراردادی مسئول است و باید خسارات را بپردازد.

واژگان کلیدی: مسئولیت قراردادی - مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر - عامل

بخش اول : کلیات

مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در دو عنوان کلی می تواند مورد مطالعه قرار گیرد . موردی که موضوع اصلی قرارداد طرفین بر عهده گرفتن مسئولیت های غیر در محدوده نفوذ قانونی است ، و نوعی آگاهی قبلی در ایجاد مسئولیت وجود دارد و تا حدودی به تعهد به فعل ثالث نزدیک است . موردی که مسئولیت قراردادی برای متعهد به خاطر عدم انجام تعهد ثالث در مقابل خود متعهد و ناتوانی او در انجام تعهد قراردادیش در مقابل متعهد له بوجود آمده قابل بررسی است . همان طور که می دانیم عقود و معاملات موجودات غیر مادی هستند که در عالم اعتبار و با همکاری متقابل اراده دو یا چند طرف به وجود می آید . به این جهت آثار آن نیز باید به اشخاصی که آن را اراده کرده اند تسری پیدا کند و اعمال حقوقی قاعداً نباید نسبت به اشخاص ثالث که اراده ایشان یا اراده نماینده ایشان در اختن این ماهیت اعتباری دخالتی نداشته است . اثری داشته باشد یعنی نباید برای این اشخاص که اشخاص ثالث نامیده می شوند موقعیت حقوقی ایجاد کند و بر ایشان حق یا تکلیفی بوجود آورد . اما در مواردی استثنایی آثار قرارداد به اشخاص ثالث تسری پیدا می کند . و انجام تعهد از سوی آن ها موجب انجام شدن تعهد از سوی متعهد قراردادی می گردد منتها در حقوق اسلامی این تعهد در قالب تعهد به سود ثالث به صورت شرط ضمن عقد ممکن است و غالباً بدون قبول شخص ثالث نمی توان این تعهد را در عالم حقوق دارای تحقق فعلی شناخت و به عبارتی مسئولیت در صورتی قابل تحقق است که ثالث هم در قراردادی با متعهد قراردادی آن را بپذیرد .

الف - تعریف مسئولیت : عبارت مسئولیت کلمه ای عربی است و معادل فارسی آن

عبارت (پاسخگویی) است که معنای آن از لحاظ لغوی تا حدودی واضح و روشن است و ۳ |

ابهامی ندارد و در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی دور نشده و مسئولیت

عبارت است از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی که عرفاً به او استناد داده می‌شود که به تبع ضمانت اجرای آن بر حسب مسئولیت متفاوت است.

ب - مسئولیت قراردادی : مسئولیت قراردادی عبارت است از التزام و تعهد قانونی متعهد متخلف به جبران خساراتی که در نتیجه تخلف از او انجام تعهد به متعهد له وارد شده است.

ج - غیر یا ثالث : کسی را که طرف عقد یا قائم مقام قانونی طرف عقد نیست ثالث می‌نامند . به عبارتی در مسئولیت قراردادی ثالث شخصی است که رابطه قراردادی با متعهد له نداشته و از طرف متعهد نیز مسئول انجام تعهد او نیست ، اما خود در مقابل متعهد تعهدی را باید انجام دهد . با توجه به تعاریف مذکور مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر را این گونه می‌توان تعریف نمود : پاسخ‌گویی و مسئول بودن متعهد ، به جبران خساراتی که در نتیجه تخلف شخصی که طرف عقد یا قائم مقام او نیست ، در مقابل طرف قراردادی خود . پیش از طرح مطالب به این نکته باید اشاره کرد که با وجود اینکه مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی شباهت‌های زیادی دارند و امروزه مسئولیت قراردادی را زیر مجموعه مسئولیت مدنی می‌دانند اما تفاوت‌هایی هم در آن‌ها وجود دارد که ماهیت آن‌ها را تا حدودی از هم جدا می‌کند .

د - شرایط مسئولیت قراردادی : هر چند در گذشته اعتقاد بیشتر حقوق‌دانان بر این بود که بین این دو مسئولیت تفاوت عمده و اساسی وجود دارد و آن عبارت از این است که برای تحقق مسئولیت مدنی اثبات تقصیر عامل فعل زیان بار لازم است ، ولی در تحقق مسئولیت قراردادی تقصیر متعهد مفروض است و صرف عدم انجام تعهد در سر رسید آن تقصیر محسوب می‌شود . اما امروزه با توجه به جبران خسارت زیان دیده که هدف مشترک این دو مسئولیت است . همچنین با توجه به گسترش دامنه مسئولیت بدون تقصیر

این گرایش وجود دارد که مسئولیت قراردادی زیر مجموعه مسئولیت مدنی است و برای تحقق آن شرایط زیر لازم است:

۱- لزوم وجود قرارداد

یکی از شرایط اساسی تحقق مسئولیت قراردادی وجود قرارداد می باشد، زیرا فعل زیانبار شخص مسئول در مسئولیت قراردادی عبارت از تخلف از انجام تعهد می باشد. بنابراین وجود قرارداد که منشاء پیدایش تعهد می باشد ضروری است چون در صورت عدم وجود قرارداد تعهد ناشی از قرارداد برای مسئول محقق نمی شود تا تخلف از انجام آن فعل زیانبار محسوب گردد.

۲- لزوم اعتبار قرارداد

علاوه بر اینکه لازم است بین مسئول و زیان دیده قراردادی باشد لازم است که قرارداد منعقد شده نافذ و صحیح باشد زیرا از قرارداد باطل یا غیر نافذ هیچگونه تعهدی ناشی نمی شود تا تخلف از انجام آن فعل زیان بار متعهد محسوب گردد. در صورتی که قرارداد منعقد شده باطل باشد مسئولیت احتمالی طرفین نسبت به یکدیگر مسئولیت مدنی به مفهوم خاص آن است و تا زمانی که قرارداد منعقد شده نافذ نباشد خسارت وارده به آن ها مشمول قواعد مسئولیت قراردادی نمی شود.

۳- ضرورت تخلف از انجام تعهد

متعهد باید تعهد خود را انجام نداده یا از نحوه انجام آن تخلف کرده باشد. لزوم این شرط به این جهت است که عدم انجام تعهد در مسئولیت قراردادی فعل زیان بار مسئول و

متعهد متخلف محسوب می شود و تا زمانی که شخص انجام تعهد خودداری نکند نمی

توان او را مسئول تلقی نمود. امتناع از انجام تعهد ممکن است عدم انجام صرف و کامل

باشد، مانند موردی که نقاشی تابلوی خاصی را در مدت معینی تعهد نماید ولی در مدت معین شده اصلاً تابلو مذکور را نقاشی ننماید و یا ممکن است انجام، ناقص یا نادرست تعهد باشد مثلاً متعهدی که در مقام تسلیم کالا، کالای معیوبی تسلیم مشتری می‌کند، تعهد خود را انجام داده است ولی کامل انجام نداده است و مشتری می‌تواند خواستار تسلیم کالای سالم شود.

۴- وجود ضرر

هر چند که شرایط پیشین برای تحقق مسئولیت قراردادی لازم و ضروری است ولی کافی نیست بلکه لازم است از عدم انجام تعهد متعهد به متعهد له خسارت وارد شود تا ملزم به جبران آن گردد. زیرا هدف مسئولیت مدنی و قراردادی احقاق حق و جبران خسارت است و تا زمانی که خسارتی وارد نشود مسئولیت فاقد موضوع است.

۵- ضرورت وجود رابطه سببیت

بین ضرر زیان دیده و تخلف متعهد قراردادی باید رابطه سببیت وجود داشته باشد، زیرا در صورتی که چنین رابطه‌ای وجود نداشته باشد ضرر وارده به متعهد متخلف استناد ندارد و نمی‌توان او را مسئول جبران چنین خساراتی نمود. به همین دلیل در مواد ۶۶۶ و ۶۳۹ قانون مدنی وجود سببیت عرفی شرط مسئولیت وکیل در قبال موکل و مالک در قبال متصرف مال محسوب شده است.

بخش دوم: جایگاه حقوقی و مبانی مسئولیت قراردادی

الف: تفاوت مسئولیت قراردادی با مسئولیت مدنی

اختلاف عمده مسئولیت قراردادی با مسئولیت مدنی در:

۱. وجود و عدم وجود تعهد قراردادی می باشد. به عبارتی در مسئولیت قراردادی وجود تعهد ناشی از قرارداد است که شخص را به انجام مورد تعهد ملتزم می نماید و در صورت عدم انجام آن در سر رسید مقرر باید خسارت ناشی از عدم اجرای آن را که بر متعهدله وارد شده است به حکم قانون جبران نماید، ولی در مسئولیت مدنی شخص قراردادی با زیان دیده منعقد نکرده است و قانون تحت شرایطی او را به جبران خسارت دیگری ملتزم می نماید.

۲. لزوم و عدم لزوم تقصیر در برخی از مصادیق مسئولیت غیر قراردادی، برای تحقق مسئولیت ناشی از تخلف از انجام تعهد قراردادی، وجود تقصیر لازم است، هر چند که وجود آن همواره مفروض است، مگر اینکه متخلف قراردادی خلاف آن را اثبات کند (ماده ۲۲۹ قانون مدنی) در حالی که در مسئولیت غیر قراردادی، تقصیر در همه موارد لازم نیست، مثلاً وجود تقصیر شرط مسئولیت در اتلاف نیست و متلف مسئول جبران خسارت ناشی از مال دیگری است، هر چند که در اتلاف تقصیر نداشته باشد (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) همچنین در مسئولیت متصرف مال غیر وجود تقصیر، در صورت تلف مال، شرط مسئولیت متصرف نمی باشد (مواد ۳۰۳ و ۳۰۸ قانون مدنی)

۳. تفاوت در تحمل کننده بار دلیل، در مسئولیت قراردادی تقصیر متعهد در عدم انجام تعهد مفروض است مگر اینکه ثابت کند که منشاء تخلف علت خارجی بوده است که مربوط به او نمی شود (ماده ۲۲۷ قانون مدنی) در صورتی که در مسئولیت غیر قراردادی در مواردی که وجود تقصیر برای مسئولیت لازم است، تقصیر مفروض نیست و باید وجود آن به وسیله زیان دیده اثبات شود. و تفاوت فرعی دیگری نیز وجود دارد که

ذکر آن‌ها در رابطه با موضوع بی‌فایده است و فقط از لحاظ تفکیک بین این مسئولیت‌ها مواردی از تفاوت این دو مسئولیت عنوان گردید.

ب: آیا در مسئولیت قراردادی تقصیر شرط است؟

در قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی نامی از تقصیر به معنای مرسوم آن برده نشده است. در این مورد دو نظر ابراز شده است:

۱- اجرا نشدن قرارداد خود تقصیر است:

اگر این تعریف برگزیده شود که تقصیر تخلف از اجرای تعهدی است که شخص بر عهده دارد، طبیعی است که تفاوت نمی‌کند منبع تعهد نقض شده قرارداد باشد یا قانون. پس باید گفت آن‌که از اجرای تعهد خود می‌گریزد خطا کار است، ولی بر مبنای تعریف‌های دیگر نیز، نشانه‌هایی وجود دارد که قانون‌گذار نقض عهد را تقصیر می‌شمارد و برای ایجاد مسئولیت کافی می‌داند. در قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی نامی از تقصیر به معنای مرسوم آن برده نشده است؛ همه جا سخن از نقض عهد است به اضافه، اثبات بی‌تقصیری متعهد، آثار عهد شکنی را از بین نمی‌برد، او به چیزی زیاد تر از بی‌تقصیری نیاز دارد. باید ثابت کند که حادثه خارجی و احتراز ناپذیر مانع از وفای به عهد شده است (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی). شاید در نخستین نگاه تفاوت این دو به نظر نیاید، چرا که اثبات وجود قوه قاهره و ممکن نبودن اجرای تعهد نیز نشان می‌دهد که ملتزم به عقد تقصیر نکرده است ولی دقت بیشتر و تحلیل مبانی اثبات تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد. در اثبات بی‌تقصیری احتمال دارد عهد شکنی منسوب به متعهد باشد و تنها احراز شود که همچون انسانی متعارف رفتار کرده است. در حالی که در اثبات وجود مانع ناگهانی و احتراز ناپذیر

باید احراز شود که عهد شکنی را به خواننده نمی توان نسبت داد . سبب انجام نشدن تعهد مانع خارجی است ، که متعهد توان دفع آن را ندارد .

۲- اجرا نشدن قرارداد اماره بر تقصیر است

بر مبنای این نظر ، تقصیر قراردادی نیز کاری قابل سرزنش است و مفهومی ممتاز از تقصیر در مسئولیت قهری ندارد در این فرض کاهلی و کوتاهی و غفلت تقصیر است نه انجام ندادن تعهد ، زیرا اگر انجام نشدن قرارداد خود تقصیر به شمار آید ، باید اثبات وجود قوه قاهره نیز نتواند مدیون را از مسئولیت رها سازد وانگهی ، چرا پزشکی که توانسته است بیمار را از مرگ نجات دهد مقصر محسوب نمی شود و زیان دیده باید خطای او را ثابت کند . تحلیل این مورد و مواردی نظیر این نشان می دهد که عدم اجرای تعهد در صورتی تقصیر است که با کار قابل سرزنشی همراه باشد . به بیان دیگر عدم اجرای ناشی از تقصیر مسئولیت به بار می آورد و همین که ثابت شود کوتاهی یا عمدی در کار نبوده است مدیون نیز از ضمان می رهد ، منتهی ، چون قانون گذار می خواهد در این باره به یقین برسد و بر مبنای احتمال مدیون را معاف نکند ، از او کار دشوارتری انتظار دارد ، کافی نیست که ثابت شود از متعهد خطایی سر نزده است ، باید احراز شود که دلیل عدم اجرای عقد حادثه خارجی است که به او مربوط نمی گردد . نظر نخست با قوانین ما سازگار تر است ، زیرا اماره مبتنی بر درجه احتمال است و از انجام نشدن تعهد هیچ احتمالی بر وجود تقصیر مدیون استنباط نمی شود . آن جا که اثبات تقصیر ضرورت پیدا می کند ، در واقع موضوع تعهد امری مشخص نیست و ملتزم خود را پایبند به کوشش و احتیاط می کند و تنها اثبات بی مبالاتی او می تواند عدم انجام تعهد را نشان دهد . پس در همه موارد ،

انگیزه و دلیل عدم اجرا مسئله دیگری است که نباید با مفهوم تقصیر قراردادی مخلوط گردد. در ماده ۲۷۸ قانون مدنی در مورد تعهدی که موضوع آن تسلیم عین معین است مقرر می‌دارد ... تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود اگر چه کسر و نقصان داشته باشد مشروط به این که این کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد ... در امانت نیز مالک باید تعدی و تفریط امین را ثابت کند (مواد ۶۱۴ و ۶۳۱) از این مواد بر می‌آید که مسئولیت قراردادی منوط به اثبات تقصیر متعهد است. منتهی این تقصیر چهره‌ی خاص دارد و به دلیل ارتباط نزدیک آن با مبنای قرارداد در عهد شکنی خلاصه می‌شود. به عبارتی به طور مطلق در تمام موارد صادق نیست زیرا ممکن است شرط خلاف در قرارداد آورده شود. نکته‌ای که در رابطه با این موضوع قابل توجه است این است که آیا می‌توان با وجود قوه قاهره در ناتوانی ثالث در اجرای تعهد مسئولیت را در این فرض نیز به متعهد قرارداد بار کرد؟ در پاسخ باید گفت: در نفوذ شرطی که بر گستره‌ی مسئولیت متعهد بیفزاید کمتر تردید می‌شود. در واقع، این شرط بر تعهد متعارف مدیون می‌افزاید قرارداد میدان داد و ستد و جولانگاه تراضی است. آن چه دو طرف می‌خواهند قانون نافذ می‌شناسد و از مفاد آن حمایت می‌کند تا جایی که گفته‌اند، قرارداد قانون دو طرف است. بنابراین، شرطی که بر مسئولیت متعهد می‌افزاید، بنا بر اصل نافذ است (مواد ۱۰ و ۲۲۳ قانون مدنی) بنا بر این متعهد می‌تواند اجرای قرارداد را تضمین کند و احتمال پیشامدهای ناگهانی و احتراز ناپذیر را بر عهده بگیرد. در این صورت وجود قوه قاهره نیز در مسئولیت فعل ثالث او را از مسئولیت معاف نمی‌کند.

براساس ماده ۲۲۷ قانون مدنی متعهد از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان به او مربوط نمود. بر این اساس به توصیف عامل خارجی و مصادیق آن خواهیم پرداخت که در بحث اصلی بسیار کارآمد است. ممکن است در وقوع ضرر عوامل خارجی دخالت نمایند، در این صورت باید دید دخالت عوامل خارجی چه تاثیری در حدود مسئولیت عامل فعل یا رابطه سببیت بین فعل و زیان خواهد داشت. مراد از عامل خارجی، هر حادثه ای غیر از اشخاص انجام دهنده فعل زیان بار است که در تحقق و ورود زیان دخالت کرده است. اثر عوامل خارجی که بر رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده ممکن است دخالت نمایند شامل موارد زیر است:

۱. قوه قاهره

یکی از عواملی که ممکن است در وقوع فعل زیان بار دخالت نماید قوه قاهره است، مراد از قوه قاهره: حادثه ای است که خارج از اراده عامل فعل زیان بار و بر حسب سیر عادی امور غیر قابل پیش بینی و تحمل است که در تحقق فعل زیان بار دخالت نموده یا عامل فعل زیان بار را به انجام فعل زیان بار و جبر و وادار کرده است. دخالت قوه قاهره همراه با تقصیر انجام دهنده فعل زیان بار باشد، که مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. دخالت قوه قاهره بدون تقصیر عامل

در صورتی که قوه قاهره بدون تقصیر و بی احتیاطی انجام دهنده فعل زیان بار در وقوع فعل زیان بار یا تحقق ضرر دخالت نماید. رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده از بین می رود و ضرر عرفاً به قوه قاهره مستند می شود. بنابراین نمی توان عامل یا عاملین فعل زیان بار را مشمول آن تلقی نمود. زیرا با دخالت قوه قاهره عمل عرفاً به آن استناد پیدا

می نماید و روشن است که انجام دهنده فعل زیان بار در صورتی مسئولیت دارد که فعل به او استناد داشته باشد. به همین دلیل در ماده ۳۴۳ قانون مجازات مقرر شده است که (هرگاه

در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از موارد فوق حادث شود و موجب خسارت گردد، هیچ کس ضامن نیست...) همچنین در تبصره ماده ۳۳۷ قانون مجازات در خصوص تصادم دو یا چند اتومبیل بر اثر قوه قاهره مقرر شده است که (در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه، خارج از اختیار راننده‌ها باشد، مانند آن که در اثر ریزش کوه یا طوفان یا دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود، هیچ گونه ضامنی در بین نیست).

۳. دخالت قوه قاهره همراه با کوتاهی شخص

در صورتی که قوه قاهره به تنهایی در ایجاد ضرر دخالت نداشته باشد، بلکه همراه تقصیر شخص دیگری در تحقق فعل یا ضرر وارده دخالت نماید، باید دید که همراهی قوه قاهره و تقصیر شخص در ایجاد زیان چه تاثیری بر مسئولیت او دارد. مثلاً اتومبیلی، در زمان سرعت غیر مجاز راننده و طوفان شدید تصادم کند، یا سدی، با وجود عدم رعایت استاندارد ایمنی سد سازی و جاری شدن سیل شکسته شود و خانه و مزرعه گروهی از کشاورزان مجاور را تخریب کند. در این موارد تکلیف جبران کننده خسارت چیست؟ در رویه قضایی فرانسه، تمام مسئولیت به شخص مقصر متوجه می‌گردد. اما به نظر می‌رسد در این موارد، باید احراز نمود که ضرر وارده استناد به کدام یک از دو عامل دخیل در حادثه دارد، اگر ضرر وارده عرفاً استناد به کوتاهی عامل داشته باشد، در این صورت، قوه قاهره نقشی در حادثه ندارد و عامل مسئول جبران خسارت وارده است.

بخش سوم: بررسی دخالت شخص ثالث در ورود ضرر

ممکن است شخص ثالث در انجام عمل زیان بار با عامل آن دخالت نماید، چیزی که موضوع بحث ما را نیز شامل می‌شود، باید دید که دخالت ثالث چه تاثیری بر رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده یا استناد عرفی فعل موجب زیان خواهد گذاشت. در

این جا هم دو فرض قابل تصور است:

۱- استناد عمل زیان بار به ثالث

۲- استناد عمل زیان بار به عامل و ثالث

حال به بررسی و تحلیل هر یک از دو مورد فوق می پردازیم:

۱. استناد عمل زیان بار به ثالث

اگر دخالت ثالث چنان قوی و موثر باشد که عرف عمل زیان بار را ناشی و صادر از او تلقی نماید و مباشر انجام فعل، عرفاً ابزار و آلت دست او محسوب شود، دخالت ثالث موجب انتفاء استناد عرفی فعل به مباشر می شود و فعل به او عرفاً مستند می گردد و او مسئول جبران خسارت وارده است. به همین دلیل در ماده ۳۲۹ قانون مجازات که نظریه مشهور در فقه امامیه است مقرر شده است که: هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص بمیرد یا مجروح شود... عهده دار دیه می باشد. بنابراین در مواردی که دخالت شخص ثالث موجب استناد فعل زیان بار به او می شود، رابطه سببیت بین فعل زیان بار عامل و ضرر وارده عرفاً منتفی می گردد و عامل از مسئولیت معاف و ثالث مسئول جبران خسارت وارده است.

۲. استناد عمل زیان بار به عامل و ثالث

اگر دخالت ثالث طوری باشد که موجب استناد فعل به او و انجام دهنده فعل زیان بار شود و عرفاً عمل زیان بار به هر دو مستند گردد، در این فرض، دخالت ثالث هر چند موجب انتفاء رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده نمی شود، لیکن موجب کاهش مسئولیت او نسبت به جبران خسارت وارده می شود، زیرا در این گونه موارد عمل ثالث و فعل زیان بار عامل، عرفاً سبب ورود ضرر محسوب می شود. به همین دلیل در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریه تداخل اسباب، هر یک از ثالث و عامل، مسئول پرداخت نصف خسارت وارده قرار گرفته است. در این ماده عنوان می شود: هرگاه چند

نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود. هر چند بعضی در این مورد به استناد ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی حکم به مسئولیت تضامنی ثالث و انجام دهنده فعل زیان بار در قبال زیان دیده کرده اند و حکم این ماده را ناظر بر روابط انجام دهنده فعل زیان بار و ثالث دانسته اند، لیکن همان گونه که از ظاهر ماده نیز به ذهن متبادر می شود، حکم ماده در رابطه با زیان دیده و عاملین فعل زیان بار است. مضاف بر این، این ماده از فقه امامیه اقتباس شده است که در آن مسئولیت تضامنی وجود ندارد و ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، از فانون تعهدات سوئیس اقتباس شده است و دارای حکمی خلاف قاعده است و آن را نباید به غیر از مورد نص تسری داد.

بخش چهارم: ارتباط مسئولیت قراردادی با مسئولیت مدنی

در این زمینه دو نظر وجود دارد که به بیان آن خواهیم پرداخت:

۱- نظریه تمایز

۲- نظریه وحدت

۱. نظریه تمایز:

درباره ارتباط مسئولیت قراردادی با مسئولیت مدنی یک نظر بر این مبتنی است که این دو کاملاً متعدد و از همدیگر متمایز می باشند. زیرا اولاً در تحقق مسئولیت قراردادی اهلیت شخص مسئول لازم است ولی در تحقق مسئولیت مدنی شخص اعم از این که دارای اهلیت یا محجور باشد مسئول است و اهلیت شرط تحقق مسئولیت مدنی نیست. ثانیاً در مسئولیت قراردادی بار اثبات دلیل بر عهده مسئول و متعهد است و او باید ثابت نماید که قوه قاهره مانع انجام تعهد شده است. ولی در مسئولیت مدنی بار اثبات دلیل بر عهده زیان دیده و خواهان است. ثالثاً در مسئولیت قراردادی دامنۀ ی ضرر قابل جبران محدود به

ضرری است که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش بینی است ولی در مسئولیت مدنی ضرر به طور مطلق اعم از قابل پیش بینی یا غیر قابل پیش بینی ضمان آور و قابل جبران است. رابعاً در صورت تعدد مسئولین در مسئولیت قراردادی اصل بر این است که هر مسئول به اندازه سهم خویش جبران خسارت نماید ولی در مسئولیت مدنی در صورت تعدد مسئولین اصل بر تضامن است و هر مسئولی در مقابل زیان دیده باید تمام زیان وارده را جبران کند. این دلایل حتی از طرف کسانی که معتقد به تمایز مسئولیت مدنی از مسئولیت قراردادی می باشند، مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا در دلیل اول بین شرایط انعقاد قرارداد و شرایط تحقق مسئولیت ناشی از عدم اجرای آن یا مسئولیت قراردادی خلط شده است. چون در انعقاد قرارداد اهلیت طرفین شرط صحت و نفوذ قرارداد است ولی در تحقق مسئولیت قراردادی اهلیت مسئول شرط نیست.

۲. نظریه وحدت:

این نظریه مبتنی بر این است که از یک طرف اختلاف اساسی بین تعهد ناشی از این دو مسئولیت وجود ندارد و تعهد ناشی از هر دو عبارت از لزوم جبران خسارت وارده به دیگری است. از طرف دیگر منشاء وجود هر دو تعهد نیز اخلاص به تعهد سابق است. بنابراین اختلافی که بین این دو مسئولیت توسط طرفداران تعدد این دو مسئولیت ابراز شده است تصنعی و ساختگی است. به همین دلیل امروزه بیشتر حقوقدانان و صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که این دو مسئولیت واحد می باشند و تفاوت عمده ای ندارند. آیا زیان دیده می تواند به جای مسئولیت قراردادی زیان خود را از طریق مسئولیت مدنی جبران کند؟

دیوان عالی کشور فرانسه در برخی از موارد اظهار عقیده کرده است که زیان دیده قراردادی نمی‌تواند بر مبنای مسئولیت مدنی اقامه دعوی نماید. زیرا طرفین نباید قرارداد تنظیم‌کننده روابط خود را فراموش کنند. لیکن همان گونه که حقوقدانان معتقدند زیان دیده می‌تواند بین مسئولیت مدنی و قراردادی حق انتخاب داشته باشد مشروط بر این که طرفین این حق را در قرارداد محدود نکرده باشند. مثلاً مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی در صورتی که طرفین میزان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را از قبل معین کرده باشند، قاضی حق ندارد میزان خسارت تعیین شده را کاهش یا افزایش دهد. بنابراین در این فرض زیان دیده و یا طرف مقابل نیز حق ندارد از طریق مسئولیت مدنی خواهان تعیین خسارت کند زیرا آن‌ها با انعقاد قرارداد تحدید خسارت، حق خود را محدود کرده‌اند. در نتیجه زیان دیده قراردادی می‌تواند بین مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی برای جبران خسارت وارده هر کدام را که می‌خواهد انتخاب کند. مبنای صحت پذیرش مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در مواردی که پذیرش مسئولیت موضوع اصلی قرارداد است. ماده ۱۰ قانون مدنی عنوان می‌کند قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن‌ها را منعقد نهموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است. در این نوع قراردادها که بر اساس ماده ۱۰ منعقد می‌شود طرفین باید نتایجی را که از عقد انتظار دارند و در حدود قانون است ذکر کنند و در صورت عدم ذکر نتایج مذکور منتفی خواهد بود. همچنین در ماده ۲۲۳ قانون مدنی عنوان می‌شود که هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود. و در ماده ۱۶۹ همین قانون عنوان می‌شود کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر این که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعداً خلاف آن ثابت شود. مع ذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.

باید توجه داشت که درست است که بر اساس ظاهر ماده ۱۹۶ شرط صحت تعهد به نفع ثالث این است که دو طرف معامله خاصی را انجام دهند و ضمن آن تعهد مورد نظر را به صورت تبعی شرط کنند، ولی این استنباط درست نیست، زیرا مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی تراضی اشخاص برای ایجاد هر دین مشروعی کفایت می کند و لازم نیست که تعهد به نفع ثالث به صورت شرط ضمن عقد باشد.

استثنا بر مواردی که نمی توان به موجب قرارداد مسئولیت غیر را در مواردی که موضوع اصلی قرارداد است بر عهده گرفت:

۱. در مواردی که مسئولیت ناشی از صدمه های بدنی و لطمه به حقوق مربوط به شخصیت و شرافت اشخاص باشد بی گمان تعهد به جبران خسارت در این مورد علاوه بر اینکه مخالف نظم عمومی است با مبانی اخلاقی برخورد داشته و نامشروع است و از میزان احتیاط می کاهد و بی مبالاتی را دامن می زند.

۲. بر عهده گرفتن مسئولیت قراردادی غیر در مواردی که غیر قصد اضرار به دیگری یا اعمالی که در دید عرف به عمد می ماند را دارد و همچنین است در فرضی که به عمد از اجرای قرارداد خودداری می کند یا کاری را انجام می دهد که از حیث درجه احتمال تخلف از عقد در حکم عمد است.

به عبارتی در این مورد باید قلمرو قرارداد را بررسی نمود که تا چه حد و چه فعلی از غیر تضمین شده است. اگر قلمرو آن شامل مسئولیت مدنی ناشی از جرم و غضب و سایر زیان های عمدی گردد قرارداد باطل و مسئولیتی ایجاد نمی شود. زیرا علاوه بر این که موضوع قرارداد فاقد منفعت عقلایی مشروع است و فاقد شرایط صحت است نظم عمومی هم

اقتضاء می‌کند که چنین قراردادی باطل باشد چون باعث جسارت افراد بر ارتکاب جرم و باعث بی‌نظمی و اخلال در نظم اجتماعی می‌گردد.

برای مثال: طرفین نمی‌توانند توافق کنند که در صورت اضرار عمدی که ثالث بر دیگری در آینده وارد می‌کند مسئولیت‌هایی که بر عهده ثالث قرار می‌گیرد بر عهده یکی از طرفین قرارداد باشد. زیرا علاوه بر اینکه موجبات تجری ثالث را به وجود می‌آورد به طور حتم مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی است و نفع عقلایی و مشروع هم ندارد.

نتیجه‌گیری

برخلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول تنها هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده نیست بلکه جبران و جلوگیری از ورود خسارت در آینده و رفع تجاوز نسبت به حقوق خواهان نیز یکی از هدف‌های مسلم مسئولیت مدنی است. جبران خسارت بر آسیب ناشی از حقوقی که ماهیت اقتصادی و مالی ندارد و کاملاً معنوی است، ممکن نمی‌باشد. از این رو برای توجیه آن باید هدف دیگری را برای مسئولیت مدنی در نظر گرفت که همانا ارضاء خاطر یا دلجویی از زیان دیده است و پرداخت مبلغی به زیان دیده تنها جهت ایجاد تعادل روانی و احساساتی زیان دیده صورت می‌گیرد. مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر نوعی از مسئولیت به وجود آمده برای طرفین بر مبنای قرارداد است. که نتیجه این مسئولیت عامل اصلی به وجود آورنده آن قرارداد یا حکم خاص قانون است. و تعهدی برای جبران خسارت در مواردی خاص برای متعهد به وجود می‌آورد و او را ملزم به جبران خسارت می‌نماید که مستقیماً ناشی از تخلف او نیست. به طور کلی این مسئولیت در دو حالت کلی به وجود می‌آید. ۱. حالتی که

متعهد به خاطر خودداری ثالث از انجام تعهدی که در مقابل او داشته است یا فعل مستقیم ثالث ملزم به جبران خسارت می شود ۲. حالتی که متعهد بر اساس حکم قرارداد یا حکم خاص قانون در موارد استثنایی مسئولیت غیر رادر ایجاد خسارت به عهده می گیرد. هدف اصلی مسئولیت مدنی با تنبیه و مجازات خصوصی عامل زیان توسط زیان دیده با تحمیل مسئولیت بر او محقق می شود زیرا او با انجام فعل زیانبار به منافع مشروع زیان دیده تجاوز و تعدی نموده است و تحمیل مسئولیت بر او موجب می شود که اولاً نتایج و پیامدهای فعل زیانبار را خود تحمل می کند ثانیاً تحمل این پیامدها موجب می شود که او احتیاط بیشتری نماید و از انجام مجدد چنین عملی اجتناب کند. در حقوق نیز به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان پیشگیری از روی دادن حادثه زیانبار از جبران خسارت مهمتر است پس اگر چه صرف مسئول بودن اشخاص و اعمال و مقررات مسئولیت مدنی موجب احتیاط بیشتر آن می شود اما این هدف مستقیم و اصلی مسئولیت مدنی نیست، بلکه وجود مسئولیت مدنی مستلزم وجود احتیاط بیشتر اشخاص می شود از این رو در باور این عقیده که بازدارندگی یکی از کارکردهای مهم مسئولیت مدنی است، تردیدی وجود ندارد.

منابع و مآخذ

- ۱- آرشیو حقوقی کیهان، آراء ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲
- ۲- باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- ۳- حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، انتشارات موسسه آل بیت، چاپ اول، قم، ۱۳۶۲.
- ۴- زکی، محمود جمال الدین، مشکلات المسئولیه المدنيه، انتشارات بی جا، ترجمه حوزة علمیه قم، ۱۹۸۷.
- ۵- شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- ۶- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
- ۷- صفایی، حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۸- طباطبایی، علی، ریاض المسایل، انتشارات موسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۲ قمری.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، جلد ۵، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۹۰.

۱۱- کاتوزیان ، ناصر ، اعمال حقوقی ، جلد ۳ ، انتشارات شرکت سهامی انتشار ، چاپ

دوازدهم ، ۱۳۸۶

۱۲- کاتوزیان ، ناصر ، ضمان قهری ، انتشارات شرکت سهامی انتشار ، چاپ نهم،

۱۳۸۶.